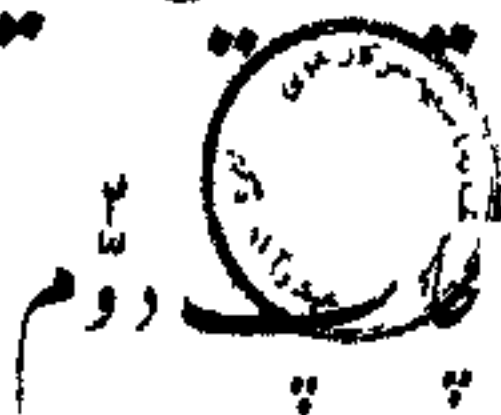




آرشیو آئین دینی



آغاز نوروز کائناتوی میل
۱۳۰۰
۱۳۳۹

(در سببی)

مطبع مظفری

CHECKED - 19/10/13



چاپ دوم آئینه آئین مردی را بناگاه فرزند ناکام شاه رخ که در نوزده سال چهارمگی
روز پاره ای بیست و نه ۱۲۹۰ در سنگم خون بفرگت بیست و سه سال و بیست و نه به تیر سگاری و نریمان
قتله جان با پاره گفته است او را بید هم تا نوبه گان آورش دروازه اش را پاره و پاره استار شوند

محمد علی

بنام خدا می بگنیم

مهدی زاده

پس از سپاس آفریدگار توانای بنده پرورد و نیایش خستوران رهبر و ستایش
کشورداران دادگر - از آنجا که برای کودکان زرد دشتی بایسته است و آنجا
که یکی از بزرگترین دردهای این دیش خویش چنانکه هست و باید و شاید آگاه گردید
آنچه در خوردی در دل و مغز خود کاشته و انباشته در بزرگی و رسائی در دنیا
و بهره کامرانی و نیکی می یابند لا در آن این بنده کرده کار کجی و پیشانی
در کرده آوری آشکارائی آنچه برای کودکان بایسته است کوشیده و بساوری
آنچه از مراد با اندازه توان برخی پر خنده و پر خنده های آئینی را از این
بی تازی در این باره گنجاندیم از باره (آئینه آئین مزدیسنی) نامزد کردیم
بر چند چهارده سال پیش در ساله ۱۲۷۶ باستانی سه هزار جلتا از این نام
بچاپ رسانیده بودم چنان در این هنگام نایاب و خواستار آن فرزندان
شدند بسیاری بود و در از نو بچاپ دوم پرودم و از بهر این که نام نیکشان

در پایان این نامه آید سپاس دارم — از آموزا بر دای فیروزی بخش امیدوارم
 چنانکه خوشنودی دست دل و دیده همگان را بکارهای ستوده باز و به نیکی
 و ستودگی دمساز دارد و یاور می بخشد تا دانا یان آیین دوست خاکنه نژاد
 آیین دوستی است نامه های نغز که باز کنند هوش و مغز است بزرگداشت
 این نوجوانان را بیدار و برایش دانش کار پر مایند

درخواست

در انجام یاد آور میوم که برای آسایش خوانندگان فرهنگی در پایان این
 نامه گنجینه ام تا بهر یک از وارثه ما آشنا باشند آرش را از آنجا در مایند
 (اندر ساله)

آبانگاه باستانی ۱۳۹۰ = برمهه آغاز نوروز فیروز تها قوی نیل —

($\frac{۱۳۰۰}{۱۳۳۹}$ تازی)

انجام پذیرفت

فهرست

رُویہ	گفتار	رُویہ	گفتار
۱	در شناسائی خدا	۳۳	میابخگری
۳	پایہ و یاسہ کیش مزدبستی	۳۳	پنهان داشتن کیش
۴	زایش و نایش و نژاد زرتشت	۳۴	مهر و خشنودی خدا
۹	فَرَوَرِت	۳۷	اندرز
۱۱	نشان زرتشتگری سدره و کشته	۳۸	ستوده
۱۶	فَسر جود	۳۹	ناستوده
۲۰	نماز و گاه نماز و پرستش سومی <small>زرتشتیان</small>	۴۰	پرمان و پیمان و ام
۳۰	سفرنگ نیرنگ کشتی	۴۴	امشاپندان
۳۲	پذیرائی کیش	۴۵	آفرینگان

فهرست

کفتار	روپیہ	کفتار	روپیہ
دیو	۷۵	جشنہا	۴۸
قریبیہ دستاویز کاروانان	۷۶	پیشوایان	۵۴
پادفرہاد زشت کاری	۷۷	وانش و فرہنگ	۵۶
نام روز و ماہ پارسیان	۷۸	پاکیزگی	۵۸
گوہ آردی	۸۰	پرہیز	۵۹
ارش و گذارش	۸۳	زناشوی	۶۵
بایستی و بیان اندر گواہ گیران	۹۶	بندی افتادگی زرتشتیان	۶۷
فرہنگ	۱۰۸	باستانی و شہنشاہی	۷۲
		سپناہ مینو و انگرہ مینو	۷۴

در شناسائی خدا

ما کیستیم؟ ما آدم و پرترا از همه جنندگان دیگر می‌باشیم.

آیا برتری از جنندگان دیگریت؟ به نیروی خسر و دانش.

آیا کسی هم برتر و توانا تر از ما هست؟ آری.

انگه برتر و توانا تر از ما کیت؟ خدا.

خدا کیت؟ خدا هستی بخش یکتائیت که نه زائیده شد و نه میرد بود.

دست و خواهد بود و همه کسرهاها از اوست.

خدا چیت؟ خدا سر چشمه مهر داد و شنید و امید و نکوئی و راستی.

پو پاکیت و هر کس دارای این سر و زگان است دارای بهره خدا شناسا.

و خدا پرست است.

واژه که برای خدا در اوست آمده چیت؟ در اوستا که نامه آئینی زرتشتیان است.

دائرة اهورامزدا برای خدا آمده که برخی در گفتار آنرا کوتاه کرده
 اوزمزد و مهرمزد و هوزمزد بکار برده اند

آرشی دائرة اهورامزدا چیست؟ آرشی اهورامزدا اعدای هستی بخش
 دانای بهیمای شیدان شید است - چه که آرشی اهورا هستی بخش
 و هست و شیدان شید و مزدا دانای بهیمای بزرگ میباشد و نوزمزد
 آن سر این کشتار این است (منم آن هست و هستی بخش دانای بهیمای
 بزرگ شیدان شید)

چرا در برخی نامهای زرتشتیان اورمزد خدا بکار رفته؟ بیشتر آنها در هنگام
 ساسانیان نگاشته شده که از دانتن آرشی اوستا دور افتاده بوده اند
 و خواسته اند در رده دائرة اهورامزدا آرشی اهورا هم بزبانی که بزرگوار
 خدا شناسانده باشد گفته باشند و مغزنگ آن است (دانای
 بهیمای بزرگ هستی بخش شیدان شیدی که هستی او از خود است)

ایزد و آنچه ارشش است؟ هم ایزد نیایش سزا است و یزدان ایزدان
نیایش سزایان باشند بحکم فرشتگان و شیدان اهورا ایزد است
و کسانیکه واره ایزد و یزدان را بجای خدا بکار برند از خدا نشستن

ارشش آن است
پایه و پایه کیش مزدیسنی

نام کیش باصیت و آنرا کی آورده؟ نام کیش ما ایزد یسنی است با ارشش
خدای دانای بهیت پرستی و آن پاک آیین را از رشتت پیغمبر آورد
تا مردم را بر راه راست و یکتاشناسی که یگانه راه رستگاری
و نیکی است رسمونی برموده باشد

ارشش آیین چیست؟ ارشش آیین یاسون است بحکم روشنی است
مردم با یکدیگر تا مردم بدانند چگونه باید در جهان زیوند و بهره نیک
دو جهان بدست آرند و بر آنچه گشتند پشیمان و پشیمان نگردند

آئین مزدیسنی را سخت کی بر مردم نموده؟ آغاز این آئین از زمان هوشنگ
 شاه بوده — چون مردم از راه خدا پرستی برون افتاده بودند زرتشت
 از آمانازده نموده و در گرباره ره آهوزا پرستی آشکار کرده است
 آئین مزدیسنی چند سال است آشکار شده؟ هنوز درست دانایان آغاز آنرا
 نیافته پن برنجی به ده و برنجی به یازده هسرا سال پیش رسانیده
 و برنجی بیشتری ندارند و در کار یافتن آئین آن هستند
 پای کیش مزدیسنی برصیت؟ پای کیش مزدیسنی از روی اندیشه و گفتار
 و کردار نیک بر یکتای بهیاشناسی درستی و پاکی است
 زرتشتیان از زرادکیتند؟ زرتشتیان از زرادکیومرز که اورا کیومرث
 و کیومرث و گشتاه هم میگویند میباشد
زایش و نایش و نرا و زرتشت
 نام پدر و مادر و زن و هسرا زندان زرتشت چه بوده؟ نام پدر زرتشت

پوروست و نام مادرش دغدو و نام زرش هوووی و نام پسرش
 ایندواستر و او روزی در خورشید مهر و نام سه دخترانش فرین
 و نقرت و پوروست بوده
 زرتشت در کدام شهر زاییده شده ؟ زرتشت در شهری زاییده شده که
 در اوستان ریغ آمده

زاده زرتشت به کی میرسد و چه آئین داشته اند ؟ زرتشت از نژاد فریدون
 پسر آئین بوده و پدر و نیاگانش همه خداپرست بوده اند
 در هنگام زاییده شدن زرتشت کی پادشاه ایران بوده ؟ در هنگام
 زاییده شدن زرتشت طراب بنیره کعباد پادشاه ایران بوده
 زرتشت در چه روز زاییده شده ؟ زرتشت در روز خرداد فروردینما
 زاییده شده

در هنگامی که زرتشت پنجم شده چند سال داشته است ؟ او زرتشت در روز خرداد

خورد و نهمه چهل سال داشته که از سوی اهورامزدا به پیغمبری رهنمایی
برگزیده شده است

اشورا چه آرش است؟ اشوپاک است بجم باید اندیشد و گفتار
و کردار و درون و برون پاک باشد

در هنگامی که زرتشت پیغمبر شده کی پادشاه ایران بوده؟ در هنگامی که زرتشت
به پیغمبری برگزیده شده سی سال بوده گشتاسب پورطراسب پادشاه
ایران شده بوده

چرا زرتشت اسپتمان گویند؟ چون زرتشت از زراد و خانواده اسپتمان
که بسیار نامور و دانا بوده از آن سوی زرتشت اسپتمان گویند و آرش
اسپتمان برگزیده و بسیار پاک و داناست و اسپتمان و اسپتمان کی است
چرا ما را مزدیسنی و زرتشتی و بهدین و پارسی نامند؟ ما را مزدیسنی نامند که
این اسمی ما خدا پرستی است زیرا آرش مزداد و انامی بهتای زرتشت

و هم نیتی پرستی باشد و زرتشتی چونکه پیغام آور خدا و راهبستمای ماکیش
 مزدیسی اشوزرتشت بوده و بهدین و بنویم آنکه در اوستا آیین مزدیسی را
 دین به و کیش نیک نامیده و پارسی به دوشوه یکی آنکه یکی از بنبرگان هو
 شاه که بر این مرز و بوم خسروی داشته نامزد پارسی بود و نام خود را
 بر این کشور نهاده بدانزوی مردم این خاک و خانواده را پارسی میگویند
 و دیگر آنکه چون پارسی کیش مزدیسی بر پارسانی و اوستویت این گروه پارسی
 نامیدند و کیشش دمان تازیان و تازایمختگان پارسی و فارسی خوانند
 چه که پارسی و پارسی در نواد تازی کچور خوانده میشود چون عیسی و موسی و
 مانند آن که به (ی) نویسد و انجام اثر به (الف) خوانند و چون
 سراسر این رشته های دین و انگیزه بهوشنگ شاه پویند و اینست که گاهی هم
 مارا بهوشنگی میامیده اند و ایرانی بدانسوه که نژاد ما از مردم ایران است
 کیش مزدیسی را زرتشت نخت در کدام شهر آشکار کرد و در آغاز کی پذیرفته است؟

کیش مزیسی را زرتشت تخت در شریخ در کشور ایران آشکار کرده که
 او رنگ گاه شاه گشتاب بوده و در آنجا آن کیش با فریبی را تخت شاه
 گشتاب و کتابیون زرفش و فرشتو شتر و جاماسب پذیرفته اند و میدیون
 که او در زاده زرتشت بود از نخستین پیروان اشوزرتشت بوده است
 آرش زرتشت چیست؟ زرتشت را آرش خرد خشنده و پرتو اهورا
 مژدا و راستگوی باشد و هم آرش دارند شتران زرد رنگ پیرامه است
 پدرو نیالگان زرتشت چگونه بشنیدون میسرند؟ پدرو نیالگان زرتشت
 بدینگونه بشنیدون میسرند - زرتشت پور پوروشست پور پوریت پور
 اوژودست پور پوریت پور پوریت پور پوریت پور پوریت پور پوریت
 پور اسفندان پور دیدشس پور ارجم پور خشن پور دوران سرون
 پور منوچهر فیرا ایرج پور شنیدون پور استین
 در هنگامی که زرتشت در شهری زاینده شده کی پرما زوای آن شهر بوده؟ در هنگامی

زرتشت در شهری زائیده شده دوران سرون پرمایزدای شهری بود

که مردی ستم‌پیشه و زشت‌اندیشه و بت‌پرست می‌بوده است

زرتشت چون از جهان درگذشته و چند سال داشته؟ زرتشت بر روز خیر ایزد

دیماه هفتاد و هفت سال بدو ماه و پنج روز کم داشته که در پرستشگاه پنج ساله

پدرشاه گشتاب و گردویی دیگر در پرستش و بندگی خدای بکتی آمده

تو براتو نام سپهبد ارشکر توران با سپاهی درآمده همه را کشته

ما تو براتو چه شد؟ گویند چون زرتشت از دست تو براتو در چشم نیت

مهره ستایش خود را سوی او افکند تو براتو در همان م سوخت

قرورت

قرورت و سخن گواهی و فرزند کیش مزدیسی کدام است؟ قرورت و سخن گواهی

و فرزند کیش مزدیسی که ما سر روز در نمازهای خود یا می‌کنیم و هر کس مزدیسی

کیش است باید همواره یاد کند نخت - قره و رانه مرزوه کینو

زره شش وید پو و اهوره دکتو - نوزد آن اینک استوارم
 کیش خدا پرستی که از دیو دوی پرستی جدا و این خدای پرستی شش
 و آورده زرتشت است + دوم مرده یسنوا منی - بارش خدا
 پرست هم + سوم مرده یسنوزره شش - فره و رانده ای
 شش فره و زه شش - پنجم - آشکارا در زبان و رسم بدل کیش خدا
 پرستی آورده زرتشت استوارم + چهارم استونیه هو مئتمنو - استونیه
 هو مئتم و جو - استونیه هو و ر شتم سویرم - استونیه و نیام مر و م
 فرسایو خدرام مذاستی شام حیت و ده سام استونیم -
 روان آن اینک نیک اندیشی و نیک گفتاری و نیک کردار پرستود
 و کیش خدا پرستی که دور کنند خجک و خفتان و بر برادری شناسند
 و نویسی دهند و پاک است استوارم + پنجم ریشیا حیتا مرده
 و اتیا استونیا و نیام مر و یسنوا منی - باز نمود آن اینک

راست ترین دانش اهورامزدا کیش نیک خدا پرستی است - ششم
 اهورانه مزدایه و نیفا و بهی چینی + نیرای آن اینکه استوارم بر
 اینکه سر اسر پیدایشش اهورامزدا است

فروری و فراتی که در آیین مزدیسنی در هنگام مرگ بزبان میرنده دهند کدام است
 فروری و فراتی که در هنگام مرگ زرتشتیان بزبان میرنده دهند و

مرده باشد بر او دهند نخت - اشم و بهی تا انجام آنت - و سزنگ
 آن اینکه باکی و راستی از جهان میگذرم - و دوم - از هر جسته و گشته
 و کرده و نمیده و شنیده و پروده از همه گونه و ناهی او آتش و پشیمان
 فدیت ام + بارش بر کار که از من نادانسته یا گفته یا کرده یا اندیشه
 سرزده یا پرمان داده ام و از هر گونه گناهی که از من پدید گشته باز آید

پشیمانم و آرزوش محوم
 نشان زرتشتیگری و سدره و کشتی

آیا زرتشتی بچنان شناخته شود؟ نشان زرتشتیگری اندیشه و گفتار و کردار و نیت
و سدره و کشتی است

در کیش مزدیسنی پسران و دختران در چند سالگی باید سدره پوشند و کشتی بپوشند؟ در کیش
کیش مزدیسنی پسران و دختران از هفت سالگی باید سدره پوشند و کشتی بپوشند
نوزادی را چه آرش است؟ پسران و دختران زرتشتی از هفت سالگی باید آرش
و نمازهای بایسته بچگاه را بدانند و پس از دانستن آنها را سدره پوشند
و کشتی بپوشند و کیش به اندر آیند و آیین سدره پوشی و کشتی بندی را
نوزادی گویند که آرش آن پرستش سخت و بندگی نو و نوزادگی باشد
و همچنان پایه های دیگر آیین مزدیسنی را که کوه و کان بدان رسند تا پای
پیر بدی بهین آرش در روان سخت که گفته شد

سدره و کشتی برای چیست؟ سدره جامه سفید بنگیت و نشان اینکه همیشه
جامه بندگی پوشیده داشته درون برون خود را بسوی خدا راست و

پاک و چون جامه سفیدی آرایش داریم و کشتی رشته بندگیت که با
 همیشه کمر بندگی خدا را بسته داشته از پرستش او و کردار خدا شناسی باز
 نه ایستیم و اینکه از چشم گو سفند است باید مانند گو سفندی از اربویم و بکنیم

در برابر خدا پرستش او با ایستیم
 چرا کشتی هفتاد و دو نخ دارد؟ چون پریشانی و دیرد که سخن خدا نیست هفتاد
 و دو بهره دارد کشتی هم هفتاد و دو نخ دارد تا دارندگان کشتی با هفتاد

دو بهره پریشانی و دیرد هم بهره شوند

آرش تگر و ش کشتی بیان بستن چیست؟ سه گردش کشتی بیان بستن نشان

هونمت و هونخت و هونورشت است که اندیشه و گفتار و کردار

نیک باشد آرش باید کرد اگر دمار اندیشه و گفتار و کردار نیک

فرا گرفته باشد و چون کشتی بیان بندیم باید در اول اندیشید که به

هونمت و هونخت و هونورشت استوارم

در هنگام کشتی بیان بستن چهار گره که بر آن و بند چه آتش دارد؟ آتش چهار گره
 کشتی چهار خشک است که آتش و آب و باد و خاک باشد و نشان آن
 هستی سراسر جز با هم سویدی چهار خشک است و ما پرستنده آن هستیم
 چهار خشکیم - در گره نخستین باید در دل اندیشید که خدا یک است -
 گره دوم که کیش مزدینی بی آرایش و بجان است - در گره سوم که
 زرتشت پیغمبر خداست - و در گره چهارم که تا تو انم نیکو کاری کنم
 و از کیش مزدینی بزرگ مردم و از بد کاری بگریزم
 چرا کشتی دراز و میان تنی و دو سر آن دارای گره ناست؟ درازی کشتی نما
 از آن است که اگر چه بن زندگانی دراز است هم انجامی آنرا می باشد
 و تنی و دو لاه بودن میان کشتی نشان آنکه لای زیرین جهان نشیب است
 که گیتی و لای زیرین جهان نشر از که مسینو باشد مردم که از جهان
 بزرگ آیند پس از پیمایش جهان با هم به درازی آن زندگی سر انجام

بنازده بجهان بالا یابند و آن دو کجھان از هم جدا نباشند بن
 ورون کشتی که گره گاه است نشان بن زندگانی این جهان است
 اگر کسی نیکو کار باشد بی پرسش و دشواری با سبکی از آن جای گره
 کام بر نهاده بجهان بالا اندر شود و هر گاه بزه کار باشد و گرانبارا
 در میان گره گرفتار آمده از تنگنای گره اورا باد شواری برون کشید

برابر بزه اش در پایه نای چ و تاب آن نگاه دارند

آیا در کیش فریبی پس از در گذشتن از این جهان کفیر بد کرداری تا چه پایه بر دم
 آمده است که مردم مانند زری میباشند که اگر بار و آلایش دارند پایه
 پاکت کردند تا بتوانند در روه پاکان در آیند لا و بر آن هر اندازه آلا
 و گناه کمتر باشد همان اندازه زود تر از تابش آتش کفیر استگاری یافت

بگروه اسوان پیوسته شوند

کشتی را در آوستا چه مینامد؟ کشتی در نواد آوستا اینویگین و بزبان

پهلوی یونیکان باشد

نیزنگ کشتی چه باشد؟ نیزنگ کشتی تا باید در هنگام بتن و گشادن کشتی خوانند
 که هم اوستای کشتی نامند و آن ندرزیت که خواننده باید بداند در کشت
 مزدینی استوار مانده سپاس بخشایشهای آهورا مزد دارا بجای آرد و
 آموزش و نیکی و رشکاری دو جهانی از دادار تو انا خواستار آمده
 هومنت و هومخت و هورشت را پاک و بی آلاش دارد
 آرش نیزنگ میت! آرش نیزنگ پر خیده و سر بسته است و این نام را
 بر اوستامانی نهند که بشیر به پازند میباید و برای بد و نشتن و دوری
 از دیوان و شبه کاران خوانند

فخر خود

فخرودی که از زرتشت پیدا آمده چه بوده؟ یکی از فخرودهای زرتشت در آغاز بخاری
 از بنایش فراتین گهتار پادشاهی چون گشتاسب را باین خدا پرستی آورد

و بخت و بخت و بخت را که اندیشه و گفتار و کردار نیک و پاینده
 شناسی است و بر مردل هتایش دارد و بجهانیان آموزاندن میباید و
 فرجودی بالاتر از رهنمونی مردم برستی و داد و خدا پرستی نیست
 زرتشت چند چیز نامی همراه داشته و برای چه بوده؟ زرتشت پنج چیز او پاره برآ
 نموده همراه داشته است نخست آتش آذر پرزین که همیشه بی هیزم و چوب
 سدل میسوخته و زرتشت دکنان دیگر را چون بردت مینا و آسورش آن
 هتایش ناموده و نمی آزرده و نسوزاندن آن فسر نود آن بوده که باید آتش
 همیشه روشن محروم مردمی در دل مزدین کیشان افروخته و بی آسب باشد
 و سخن رهنمائی آینه و خور مانند آتشی است که مردم را از تباها گاه سردی بسوی
 گرمی بی آسب و آزار و رستگاری بخش خود کشد و هر که بسوی چنان آتشی
 آید از سردی و مرگ رسته رستگاری جاوید یابد + دویم جو بدست
 داشته و نشان آن بود که هر کدام با بودن روشنائی دیده بنیابسوی آهورا مزدا تواتر آنا

نداشته باشیم چنانکه کور برهنه‌مانی چو بدست ره میسپاید تا از گری و تبااهی
 در پاس باشد ما هم شوه مهر پوز امرودا که رهنمای همه آتش‌زدگان است
 و بدست‌یاری رهنمای آیینی بشیدان شید بریم و دیده جان بفرغ
 آیینی بکشاییم + سوّم تخم سر و بود که در کثرت نشاند و باندک دمان برینا
 برگمای آن درخت بریکتانی و توانائی خدا گواهی میداده چون کثرتنا
 از جای خوشی و خوبیت و جای خوشی و خوبی آیینی دست و تخم سر و نمونه
 مهر پوز امرودا است که در هر دل کاشته شود بزودی رویان بالان گردد
 و برگ آن که باز نمود کرد از نیکیت و بریکتانی و توانائی امور امرودا و هر جری
 شت فرج‌شور زرتشت گواهی دهد باید در دل هر یک از ما نشاند و باره
 شود + چهارم بیت و یک ورشیم نامه نای اوستا است که هفت‌هفته
 آن گذارشش پدایش هر دو جهان و هفت ورشیم در باره سر آمدن
 و هفت نامه نمودن فرزندگان امور امرودا و روشش نماز و پرستش و با

نمودند از ماهنهای آئینی و بر نهاد زیت آفریدگان بود + و پنجم سدره
 و کشتی که جامه و کمر بندگی داور است به همراه داشته است
 آن درخت سرویی که زرتشت در کشم نشانده شد؟ آن درخت سرویی که زرتشت در
 کشم نشانده تا دمان پادشاهی پوران (متوکل عباسی) چنان بزرگ شد
 که مرغان بسیار در بالا و جانوران و حبسندگان بسیار در زیر آن آشیان داشتند
 چون (متوکل عباسی) در شد (سامره) کوشک (جفیه) بر پا کرد و چوبی با
 سرانند از آن جسته آن درخت راست نیامد بد نزوی از (طاهر پور عهده)
 که پرمانزوی خراسان بود آن درخت را بخواست و چون (طاهر) بر بد در
 افتاد آن درخت زمین نزدیک آن بلرزید و خانه های نزدیک آن در آن
 و پرندگان زبر و جانوران زیر آن بسی ناله کرده اند و گویند چاه هسنار
 در رفت رسانیدن آن درخت بدانجا شد و چون بنسرد یکی (جفیه) رسید
 در همان شب بندگان بردگان (متوکل) بر سر و ریخته باره باره اش کردند

و آرزوی دیدن آن درخت بگور برده است
نماز و گاه نماز و پرستش سوی زرتشتیان

زرتشتیان چگونه باید بنماز خود بپردازند؟ در گاه نماز باید اندیشه جهانی از
 خود دور کرده سر اسرا اندام برونی و گوهرهای درونی را پاک و اویره
 بخدا سپرد و با دست بندگی بر سینۀ پرستش یکتای همیاری پرداخت

زرتشتیان شبا روزی چند بار باید نماز و پرستش خدای یکتا بجا آرند؟ زرتشتیان
 شبا روزی پنج بار باید نماز و پرستش خدای یکتا بجا آرند + نخست از سپیدی
 باداد تا نیمروز گاه ناون دویم از نیمروز تا سه سوا از نیمروز گذشته گاه
 رپتون سوم از سه به سه از نیمروز گذشته تا پیش از تیرگی شام گاه ازین
 چهارم از تیرگی شام تا نیمشب گاه ایوه ستریم پنجم از نیمشب تا سپیدی باداد
 گاه اشهن و اشهن آغاز گاه نان است

چرا هر گاه نامی جدا دارند؟ چون هر گاه بی را فرشته اویره پرستار

بد از روی بنام فرشته بهانگه پرستش خدای یکتا بجا آورده میشود
 سر اسرنامه های زرتشت چه نام دارد؟ سر اسرنامه های زرتشت نامزد
 به اوستاسات

آرش اوستا و باز نمود آن چیست؟ آرش اوستا پرده از روی برداشته
 و روشن شده و باز نمود اوستا دانش خدا پرستی و آسمانی و گنجا برآ
 و سخن او ویژه و پاک است

زنده را چه آرش مگذارش است؟ زنده گذارش و سزنگ را گویند
 زنده گذارش اوستاسات و پازند گذارش زنده می باشد و آرش
 پازند گذارش مگذارش است چون کم کم زبان زنده هم از میان رفت
 و دانستن آن دشوار شد باشکاراتی گذارش زنده کوشیدند و آن
 گذارش را پازند نامیدند

سر اسر اوستا های بزرتشتی که اکنون در دست است چند فرشم می باشد؟ سر اسر

مردم می آموزاند که چه باید نمود و از چه کار باید دوری گزید و چگونه چاره
 بدکاران نمود و دارای بیت و دو پرگرد می باشد
 خورده او ستانا که امند؟ خورده او ستانای کوچک نیایشها و گاه
 و آتشریگانهاست و او ستانای بزرگ یشت های باشند
 یشت ها چند برای چه می باشد؟ یشت های بیت و دو در و در و در
 فرشتگان نیایش ستر در آنهاست و آرش یشت نیایش ستر است
 یزشن چند چه می باشد؟ یزشنها چهل و نه و نمازهای اند که روزه
 و بر نهادنهای او بره باید بجا آورد

بهره از خورده او ستانا که پس از زرتشت نوشته شده نویسنده آنها کیست؟
 پس از در گذشتن اشوزرتشت دانایان و بیانیان و چمنان در کیش آنها
 بنشاند و نگارش بیشتر آنها در دو هزار و چهار صد و هشتاد سال تا
 دو هزار و دویست و پنجاه سال پیش از این بوده که پیش از زمان

فروزی و خسروی بخانشان باشد و در دمان و اسپین که ساسانیان باشند
 برخی پر خیده های آزا آشکار و باز نمود کرده اند تا مردم دانا و نادان
 دریابند

چرا زرتشتیان در هنگام پرستش خدای یکتا روی بسوی خورشید یا ماه یا فروغی دیگر
 کنند؟ از آنجا نیکه خداشیدان شیدا است و خریدگان را توانائی دیدن
 و شناختن آن فروغ آیینی بچشم بردنی نیست و همه این روشنائیا
 از آن چشم بر بی پایان روان اند زرتشت مردم را پر نموده در هنگام
 پرستش خدای یکتا روی بسوی فروغ کنند تا از دیدن این شیدان
 که نمونه روشنائی آیینی هستند دیده دل را بسوی شیدان شیدا
 بکشایند و از پیروی این روشنائیا بروشنائی آیینی برسند
 چرا زرتشتیان پرستش سونی او بر نه ندارند؟ چون ابورامزدا آفریننده
 سر اسر پیدایش است نتوان جای بسوی و خانه برای او آشکار کرد

بهر سوی که رو آوریم همه سوی اوست و همه چیز آفریده او جز آغاز و
انجام و انسب از دشمن و مانده و یار و بدر و مادر و زن و فرزند و
جای و سوی و تن و تن آس و تنائی و رنگ و بوی و زنده و دانا و توانا
و بینیا زود او در گوشه نشودن و دیدن و بودن آگاه است

چرا شبانروزی چند بار باید نماز کرد و نامه خدا خواند؟ شبانروزی چند بار
باید نماز کرد و نامه خدا خواند تا آنچه امروز آمد و پر موده بیاید و بجا آوریم
میشن و گوشن و کنش و خوشتر برابر پر موده امروزه پاک و راست
داشته گمراه نگردیم

برت دست و روی شستن پیش از نماز چیست؟ پیش از نماز کردن باید دستها را
سر پنجه تا آرنج و روی تا بنا گوشها و زیر زنج و بالای پیشانی شسته شود
و هر آنده امی که پلید و آلوده است پاک دارند

چرا ز تشنه پیش از خوابیدن باید کت او ستای رنگ کشتی بخوانند و همچنین هر گاه از

خواب بر بخیزد باید کشتی نوز کنند؟ چون شد نیست پس از خوابیدن روان
 تن بگردد و هنگام پشیمانی و پت نباشد بد از روی زرتشتیان پیش از خواب
 از کردار روزانه خود اگر ناپسندیده رفته پشیمان شده آمرزش بجویند
 و بم هنگام برخاستن کشتی نوز کنند تا اگر هنگام خوابیدن اندیشه ناسزا
 رفته پت بزبان آید و چون روز شود باید بر این زندگی نوسپاسدار بوده
 از آن روز از مزایای رهنمون در خواست یادوری نمایند تا در آن روز اندیشه
 و گفتار و کردار برابر بر همان دادار تو امانا پاک و نیک و رست دار
 ایام در کیش مزدیسی داشتن پرستگاه های جداگانه بنام اشاسپندان پیران روا باشد
 در کیش مزدیسی خربکیانی و بهیتسانی و هستی ایهور مزدا تو امانا بخیری دیگر پرستش
 نمودن روا نباشد و بحسن نام او پرستگاه بنام هیچ آنسریده نهند
 چراغ مزدیسی کیش از آنسرد که پرستگاه بنام اشاسپندان و پیران و مانند آن داشته باشند
 چنانکه گفته شد آنسریده کار با یکیت و تنها آنسریده کار با پرستش نهند که اشاسپندان

و جوان هم پرستنده اویند و امثال سپندانی را که مافروشتگان و فروخان
 بزرگ پرستنده اهورا مزدا دانیم چون کالبد اینجانی نپذیرفته و مرگ نداشتند
 و ندارند بد انزوی اویش و هرگز جای مرگشان شاید و پیران که آرشش
 از مودگان و آموزگاران و پیوایان و سپند و هندگان و درمهران باشند
 چنانکه در زندگی آنها پرمایه و سخنان نیکو آمانه آنها را گرامی باید داشت
 که روان زندگی و زندگی روان در آن است هم پس از درگذشتن آنها نام
 نیک و سخنان پند آینه آنها را باید گرامی داشت که زندگی جاوید در آنست
 نه تن که بنحاک پیوند و نماید شود و در آیین مزدیشنی جایکه مرده سپرده
 باشد نسا دانسته تا چندین کام گرد آن گذشتن نساید

نماز اویره زرتشتیان کدام است؟ نماز اویره زرتشتیان فرامون ریشیت
 و نیزنگ کشتی باشد و نیزنگ آن چنان است

(فرامون ریشیت)

بخشودی دادار اهورا مزدا خوشبختی خود را بسایگی و راستی میدانم و با
 آن خوشبختی تکمیلش خدا پرستی آورده بزرگوار است که از تیرگی دینی پرستی جدا
 و آئین یکتای بهمیتای شیدان شید شاسی است استوارم و چنانکه خوشبختی
 ایشا پندان که فرسوزگان اهورا مزدا و پاسدار گاهها و دمانها اند و چنانکه
 خوشودی سر و شش پاکست پرستش و بندگی اهورا مزدا را بجای آورم و آن
 اهورا مزدا ای توانا در خواست دارم که از من فرسویاوری پر ماید تا
 کرداری ناپسندیده از من پدید نگردد اینستور که فرشته پاسبان
 تن است بگردار نیک خود خوشود میدارم و از اهورا مزدا انیار مندم
 چنانکه خوشودی او بهترین چیز است ما را برابر خوشودی خود بکار نیک
 و ستوده یاوری پر ماید تا چنانکه پر موده است بیاد اش کردار
 نیک بشت با ارزانی شود هم از اهورا مزدا یاوری سجویم تا با نذاره
 توانائی بتوانیم از افستادگان و ناتوانان دستگیری نموده بدانشوه

درستی و یگانگی اهورا مزدا استوار شویم ای دانای بهمتای شید ان شید
 ما را از اهریمن بد کردار که با ما دشمنی و کینه دارد جز فرغ آینهی تو و سپهری
 و چمن که اندیشه شکست به چرخ دیگر نتواند نگاهداری کند ای اهورا مزدا پادشاه
 کار نیکی که از ما آشکار شود جز تو که تواند داد بر سران این دو کشور
 کیش آموزگار که به نیروی سخنان اهورا مزدا نیروزی یابنده و زینهار
 به پند اند بر اینک اندیشی آنها سروش پایان آنهاست بد نیروی که
 اهورا مزدا هرگز ادر هر چه خواهد چنان خواهد که شتم از آن دور باشد ای
 سفدارند که فرزده اهورا مزدا ای بر بنمونی اهورا مزدا یا دور ما با ش
 تا از ما آزار رسانندگان دور و نابود شوند و تخم بد کرداران و زبانه کار
 و شکران از جهان برفتند و از آنها آسبی باستواران شوئی و کیش بکتا
 شناسی نرسد بایزشن و نیایش بر بندگی و نیروی اهورا مزدا آسیرین با
 بی پاک داشتن فرزده سردشی که بر دباری و پرمان برداری و سر از مان

اهورامزداست از اهورامزدا نسیا زوایم تا اول ماراروشن و مار
 نیک و تندرست داشته نیروی توانائی سیکو کاری و فیروزی بخشایان
 تا خواسته ما جز از راه نیک و راست اندوخته نشود و سزندان مارا
 بخدا پرستی اتوار دارد و زندگی مارا دراز کند و در سینه که جهان آینه
 پر بخشایش و آسایش و فروغ است مارا با پاکان در گاه خود هم جایگاه
 پر یابد خداوند ما را تندرستی بخش و ای اهورامزدا بفریاد ما برس
 نیروئی که دادار بهمت برای کشت دشمنان پاکان بخشوده و بر فراز
 سروری جای دارد و در بهرام پاکت اورا خشود میداریم جان روزگار
 چنان باندیشه و گفتار و کردار نیک از آسایش پاکت میداریم که از آرزوی سزندان
 بد کردار شکسته و نابود شوند و تن و روان پاک ماند
 سفرنگ نمرنگ کوشتی
 بنام خدای بخشاینده بخشایگر مهربان با اندیشه و گفتار و کردار نیک از سزندان

بد اندیشی و بد گفتاری بد کرداری و هر گناهی که ازین در روان من درستی
 که گشت زار مینوست سرزده پشیمان و پشیمان شده بازمی استم و ازینجا
 هرگز آموزش در خواست دارم اهرمین با اهرمینان که همه بد کرداران
 و آزار رسانندگان و جادوگرانند زده و شکسته و نابود شده بر آنها
 نفرین باد و هیچکار آنها بگامرانی نسواد پن و از گون در شکنجه و دوزخ
 که سزای بد کاران است گرفتار باشند و سر هر کارهای نیک و پاک
 که پسندیده اهورامزدا ی را مثنی بخش فرو غنجد برونف آگاه است در
 افزایش و بگامرانی باد بخشودی اهورامزدا شکسته و خوار میکنم بر
 بد کردار را و چنانکه آرزوی بگمانان است پاکی را یستایم باز بخشودی
 اهورامزدا بدل و جان گواهی میدهم که خدا پرست هستم و بگیش خدا پرستی
 که آورده زرتشت است آشکارا و نهان استوارم نیک اندیشی و نیک
 گفتاری و نیک کرداری استوده و بگیش خدا پرستی که از جنک و خوزری

خدا و آئین مهربانی و برادری و پاکست استوارم و نیک میدانم که این
 کیش مزدیسی که بخشایش اهورامزدا بنمایش زرتشت پیغمبر میباشد از
 کیشهای خوب گذشته و آینده است و بگمانم برای آنکه همه پیدایش
 به نیروی بخشایش اهورامزدا میماند است باز ای اهورامزدا
 بفریاد ما برس تا با همه پاکان و نیکوکاران و خداپرستان کیان
 به نیکوکاری انباز و هم بهره شویم و از گناه و گناهکاران دورمانیم
 ای اهورامزدا ما را در روز داوری به نیروی بخشایش بی پایان خود
 بیا مرز تا باسانی و خوبی به بهشت فروغند تو که جای پاکان راستست
 برسیم کیش پاک اویره فروغند خداپرستی فرود و پیره بوده سر
 بگام اهورامزدا و سر روزگانش باد چنان باد چنان برانش را باد

پذیرائی کیش

آیا در آردن کسی را کیش مزدیسی بخشود یا بدیازد و سختی؟ پذیرفتن کیش مزدیسی

خوب بشنودی و در سانی خسرو و دانش نه سزا است زیر است زرتشت در
 آینه نگاه - مای ستم همی پر ماید - ای نیکوان بگوش خود بشنوید و
 بمنش پاکیزه به بسیند و پس هر مردوزن از بصر خود راه بگزینید

میایچگری

ایا زرتشت میایچگری آموزش گنمان سپرد انرا پیمان نموده یانه؟ زرتشت میایچگری
 آموزش گنمان سپرد انرا پیمان نموده بن پر موده آنچه در اینجهان کارند
 بویسنود و ند بجم اگر نیکی کنند نیکی بسیند و در دو گیتی رتکار بود به بهشت رسند
 و اگر بدی نمایند با تیش دوزخ گرفتار شده پاد افسره یابند

پنهان داشتن کیش

آیا پروردان کیشم زینسی باید در جانی یا کاهی که ترس ستم رسیدن پیش است نام کیش خود را
 پنهان کنند؟ هر گاه کسی نزدینسی کیش است هیچ ترس از آشکار کردن نام و
 آیین خود نباید بردارد پن در آشکار کردن آن ماید بگوشد و اگر برای گریزان

ستم نام دیگر بر خود نهند بوقت و بخت و بهورشت او بدست و درخت و
 دروشت خیزده و از مزوینسی کیشی برونده و بهتار مزوده یسوز در کیش
 قره و رانیه استی تپا قره و زه تپا که آرش آن چنین است در
 و نهان دل و زبان بکیش خدا پرستی که آورده زرتشت است استوار
 کار کرده است

مهر و خشودی خدا

اینکه در آغاز و سر جای نماز زرتشتیان خشوثره اهورینه مزدا آید چه آرش دارد؟
 خشوثره اهورینه مزدا آنت که خشود کرد انم خدای هستی بخش شیدان
 شیدانای بهتیار او چون باید سر کار نامه بوقت و بخت و بهورشت
 که خشودی اهورا مزدا است بجا آید بدزوی در آغاز نماز و کار باید آن
 فراتین سخن یاد شود

چگونه میتوان اهورا مزدا را که آنت بگذریمه و از سر چیزی نیاز است خشود یا نامش در

از آنجا نیکه ابورامردا خود آفریننده و بخشننده سرسرهستی و پیدایشها و
 بی نیاز است فزون آشکار است که آفریدگان نتوانند او را خوشنود یا ناشنود
 گردانند چنان بر آنچه فسر از زمان او رفته هر گاه برابر آن اندیشه و گفتار کرد
 راست و پاک بداریم بنده پرمان بردار و سزاوار فزونی مهر و شایگان
 بخشایش او شده دل که آسیند نمایش خوشنودی و ناخوشنودی و نیکی و بدستی
 بر آن گواهی دهد و اگر از پرمان ابورامردا ایندمانی هسته و باز پست نامنود
 بسوی او باز گشت نکنیم بکار خود در مانده و سر نمانده شده ریج و اندوهی
 جان و تن گاه و گران بیست کی در دل پدید آید هر آینه خود آشکار است
 هر گاه کسی نکوی نموده و جز ابورامردا کسی آگاه نباشد چنان آن
 کار از نیکی خود در دل شادمان است که پذیرد سرسر مردم از کردار
 پسندیده او آگاهند و آن شادمانی بنمایش خوشنودی ابورامردا و
 آفرینش بر تو مهر خدایت و چون کسی کاری زشت و ناپسندیده بجا

آورده باشد و مردم هم از آن آگاه نباشند آن بد کرداری در دل
 خود شمر سار و آورده پرمان آزار است و بی پندار و همه کس از آن
 بدکاری و آگاهی دارند و این نشان خشمناخستودی خداست که هم
 گرانی بار بد کرداری بر خود بد کردار فرسود آید و در دو سه روز چارنج
 و آسبانی که سزاوار پاداش است گردد

در خستودی خدا در تشیان چه نیاز دارند؟ نیازی که در آوستا برای تشیان
 دریافت خستودی خدا آمده — تیا اهی ویر یو آمارشش آسا و چید
 اچا + بارش + چاکو خستودی خدا بهترین چیز است ما را برابر
 خستودی خود بکارهای نیک یادری پر مایاد

ایوز امزد مردم را چگونه خواهد؟ در آوستا همی پر ماید (مزد آینه اهنانه
 اهنانه و شی کهما اچید) که باز نمود آن نیست — ایوز امزد هر کرا در هر چه خواهد
 چنان خواهد که شتم از آن دور باشد

هرگاه کسی مژن و گوشن و کُنش را پاک و راست دارد چه مهر خوان و مزدیابد؟ هرگاه
 کسی مژن و گوشن و کُنش را برابر پرمان آهوز امزد پاک و راست دارد
 از آهوز امزد امهر خوان دوستی یابد چنانکه در او ستا همی پرماید (ای
 زرتشت تو دوست منی) دو دم را مژن و آسایش این جهان به آزادی
 در ستگاری بگام او شود و پس در جهان آیند و در بهشت جای یابد بر
 با فراتین گشار اوستا + ونگهی اُنش دزدانیه ننگهوشیوشه
 نام آننگهی اُنش مزدانیه + بارشش + هر کس در این جهان برابر پرمان
 آهوز امزد اکار کند در جهان آیند بهشت با و از زانی شود
 اندر ز

زرتشت چه اندر زنی ب مردم دهد؟ زرتشت همی پذیر مايد - بسايد ای مردم
 یکدل و یک زبان به پرستش خدای یکتای نیکی دوست برداریم و از او
 یاری خواهیم تا از بدی کژی دور شده براه راست پسندیده آهوز

مردا استوار کردیم نکوئی کنیم تا نکوئی بسیم و کردنا خوبی و
 گمراهی نگردیم زیرا آن داور دانا و بینا و دادگر و محسبان و فروری
 بخش و تواناست

ستوده

در کیش مزدینی چه نوازش بسیار ستوده است ؟ در کیش مزدینی همان

نوازی و بیگانه نرسیده نیکو کار پروری را بسیار ستوده است
 در باره کنکاش و کار انجمنی در آیین مزدینی چه برموده ؟ در آیین مزدینی کنکاش

با بخردان و کار انجمنی را اویره در چندین ورشیم های اویره او ستما
 بسیار ستوده و فزون زندیش و انسرینها نموده است

داد و دیش را در آیین مزدینی چگونه ستوده است ؟ در آیین مزدینی داد

و دیش را پیش و بالتر از هر کاری ستوده است و فزون در آن
 باره در او ستما داد آوری شود که $\frac{1}{2}$ خشتها از نورانه ایتم دره

گویند و استوارم + بارش + هر کس افتادگان و بیسویان
 دستگیری و در راه خدا پرستان و خدا پرستی داد و دهش نماید در بر تو
 خدائی و خرد خرد وانی امروز امروا پاس و کامران و به بکتانی خدا
 خستوده است

ناستوده

در باره پدر و مادر آرزون در کیش مریخی چه پیمان آمده ؟ در ستایش بنام
 امروز امروا آمده هر کس پدر و مادر آرزو و آرزو و ناستوده باشد هرگز
 بهشت نخواهد دید و گرفتاری او بیشتر خواهد آمد

چه کار مارا در دست ساخت نکو پیده و ناستوده ؟ در او ستا بداندیشی و بد
 گفتاری و بد کرداری که شاخه های آن دردی در آهستنی و آزار
 رسانی و دیرانی و دشنام پیمان شکنی و ناراستی و ناپاکی و بدی
 و تو مار کاری و ناجوانمردی و نافراری و نیرنگ و گریزی جادوگر

و تن پروری و هسره کردی و کینه دوی و بدخواهی و شرکاره و در یوزه
 در و سپی گری در و سپی با رگی و نایمان روی با ده پیمانی و بد مهربی
 و ایدمانی و بیاری و ناهکاران و آزمندی و خشم و رشک و دشمنی
 و بد نامی خود بینی و دورنگی و بددلی و سراموشی و جهان پرستی و
 ناسپاسی و بی فرهنگگی و خیرگی و بی آزردگی و بهیسه و دانشی و مانند اینها
 بسیار ناستوده و نکو بیده و برای هر یک گنا مان و کفر نانی بر شمرده است

پرمان پیمان و ام

در کیش مزدینسی زرتشت بکدام کارنا پرمان آده و داز کدام کارنا باز داشته ؟ در کیش
 مزدینسی زرتشت به هومت و هوش و هودرشت که اندیشه و گفتار و کرد
 نیکت پرمان آده و از دشت و در وخت و در ورت که بد اندیشی و بد
 گفتاری و بد کرداری باشد باز داشته

جز این سه گزیده پرمان که پایه کیش و این است زرتشت چه دای بر مردم نهاده است ؟

خراین سه گزیده پرمان زرتشت رسانیدن چهار و ام ب مردم با بسته برمود
 + سخت پاس بندگی خدای جهان آسیرین + دوم پرمان کج داد
 خسروان با داد و دانش پرمان روایان با مهر و بخشش + سوم از
 خسروان و مرزبانان و خداوندان پرمان گشودن دروازه مهر داد
 بروی باورام + چهارم مهر و مردمی و برادری و دوستی بر هر مرد
 با یکدیگر و در آوستا این مهربانی و برادری و دوستی را فرزون می
 و در پیروی آن سخنی مینماید چنانکه در فرودت زرتشتیان است + استوین
 وینام مزدیسنه فرسپایو خدایم نذ استی شام خشت
 و ده سام استوینیم + بارش - یتایم کیش مزدیسنی را که دو
 کننده جنگ و در ننده خندان به برادری شناسنده پاک است +
 و بی پر ماید جسر پیروی این سه پرمان و چهار و ام دیگر زده دستکاری
 و کامرانی برای مردم نیست

در کیش فرزینی چه دامها بگردن داریم؟ سخت خدا را به یگانگی و یکتایی
 بشناسیم و درستی و بهتائی او بجان باشیم و بر دشمنی نمودن او را
 فرود آید + بارش - نماز بخدای دانای بهتای هستی بخش از پرستش
 او باز نایستیم دوم در نامه خدا که در رشت آورده بجان باشیم و
 در رشت را فرستاده آموز آموز او را بر خود داریم سوم بهتایش
 نمودن او را بر سر و بجهت + بارش - نماز بایران که زایشگاه و ترکاش
 ایران را بجان و دل دوست داریم چهارم پرورنده و آموزگار و پدر
 و مادر و خویشان و یگانگان را گرامی داریم و کسی را نسیب از داریم پنجم
 آنچه بر خود شنیدیم بر دیگری رواندازیم ششم همانرا با زرم داریم و کجا
 چشم ناچیزی نه بینیم و از خویشاوند درویش تنگ نداریم هفتم از
 آموز آموزدای پاک آن خواهیم که خشودی او در آن باشد و سزاوار
 بندگان داند هشتم ترس روز بشمار و دوری را همیشه در دل و دیده

داشته از کارهای بازنه ایستیم و از هرگونه بدکاری و ناراستی بگریزم
 در کیش مزدیننی پیمان باید نگاه داشت یا نه؟ در کیش مزدیننی نگاه داشتن
 پیمان و استواری در آن بزرگترین و نختین پیمان است
 در کیش مزدیننی چه پیمانهای دیگر آمده است؟ در کیش مزدیننی آمده که نخت
 ای مردم چنان آماده مرگ باشید که در آن مرگ زندگی جاوید یابید
 و از آغاز جوانی چنان خوان گذران گزینید که در هنگام فرسودگی
 در نماند و سرگردان نباشید و دم هیچ جدائی در میان فرزندان
 خود که از رگ و خون شماست و از فرزندتان دیگران نگذاشته همه را
 یکسان بدانش و پیش رهبری نمایند سوّم بداده امهور امردا خوشنود
 و سپاسد ار بونید چهارم بدی کنسید با بدکاران یار شوید و از هم نشینی
 و گفتار بد کرداران دوری گزینید پنجم بهره از کردارهای ناپسند
 گذشته پیمان شده بت گوید و از امهور امردای نخبانیده آموزشش برود

ششم داد و دهمش که پسندیده امروز امزد است از نکو کاران در ماندگان
 در بیغ مدارید هفتم بکار گزار که اندام درنت دارند و توانائی کار بکار
 نگذارید و باندازه کار با آنها دستگیری کنید تا بکار و بد کردار ننمایند
 در این مزدبستی برای آشتی در میان فرستد؟ در این مزدبستی همی پر ماید
 تا سازگاری را برزند و هر که کرد آشتی نکرد و کین در دل نگاهدارد و

ندارد چه که دل را با جای دین باید یا کین

امشاسپندان

امشاسپند را آرش صیت؟ آرش امشاسپند بزرگ بمرگ است زیرا
 امشاسپان بمرگ و سپند بزرگ باشد و آنها را از رشتیان فرشتگان پاک
 نزدیک درگاه امروز امزدای هر دو سپ آگاه دانند

چرا از رشتیان امشاسپندان را می‌شناسند؟ این شماره سی و سه است هفت
 امشاسپندان و بیست و سه از وان یا فرشتگان نیایش منرا باشند که جهان